

## وضو و نماز بیمار

### خطبه اول

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهِ أَنْفُسَنَا وَ مِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مِنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَ مِنْ يَضِلُّ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ. وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران: ۱۰۲) ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ۝۱﴾ (النساء: ۱) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۝۷۰﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ۝۷۱﴾ (الأحزاب: ۷۰-۷۱) اما بعد:

الله متعال میفرماید: ﴿وَلَسَبَلُونَكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبَلُوا أَخْبَارَكُمْ﴾ (محمد: ۳۱)  
 «ما همه شما را قطعاً آزمایش می کنیم و تا معلوم شود مجاهدان و صابران واقعی - شما کیانند و اخبار شما را بیازمایم». الله همیشه بندگانش را در معرض امتحان قرار می دهد و برخی را هم تنبیه میکند. و بر قومی بلا نازل میکند. الله مؤمنان را بر یک حالت رها نکرده بلکه آنها را می آزمايد. بنابراین مسئله ابتلا و آزمایش الهی از سنتهای قطعی است که تخلف و استثنایی در آن راه ندارد و همه انسانها بدون شک مورد آزمایشی قرار خواهند گرفت.

از آنجا که نظام حیات در جهان هستی و نظام تکامل و پرورش است و همه موجودات زنده مسیر تکامل را می پیمایند و پس تمامی مردم باید آزمایش شوند تا استعداد خود را شکوفا سازند. از ضعیف ترین انسان ها گرفته تا ستمکارترین و دیکتاتورترین جنایت کاران و از کوچک ترین افراد دلسوز ب جامعه تا پیامبران که بزرگ ترین مرییان بشریتند و همه و همه باید به تناسب شخصیت خود مورد آزمایش قرار گیرند تا هر کس در روند حرکت خویش و به تکامل برسد.

آری! پیامبران بزرگ و اولو العزم چون: ابراهیم علیه السلام و موسی علیه السلام و پیامبر گرامی ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم و در پرتو آزمایشات الهی به تکامل رسیدند. و نمرودها و فرعون ها نیز از مرتبه انسانیت سقوط کردند و به پست ترین درکات رسیدند. سنت آزمایش الهی نسبت به بندگانش یکسان نیست؛ الله بعضی را با سختی و تلخی و گرسنگی و تهیدستی و یا بیماری و ناراحتی می آزمايد و برخی را با مال و ثروت و قدرت و ریاست و یانعمت و آسایش و آزمایش می کند و وعده ای دیگر را نیز با قراردادن در محیط آلوده یا سالم امتحان می نماید. البته دلیل گوناگونی و تنوع در امتحان الهی روشن است. زیرا ممکن است افرادی تحمل سیری و آسایش را داشته باشند و وعده دیگر این تحمل را نداشته باشند؛ ممکن است افراد تحمل ناز و نعمت را داشته باشند و ولی در مقابل امتحان گرسنگی و فقر و تحمل خود را از دست بدهند؛

یا اینکه افرادی تا وقتی دارای مقام و پستی نشده اند و متواضع و خوش برخورد باشند و ذره ای غرور و نخوت در آنها مشاهده نشود و اما پس از رسیدن به قدرت و ریاست و در مقام امتحان متکبر و خودخواه شوند. یا اینکه تا زمانی که در محیط سالم هستند و پای بند به حلال و حرام

باشند و ولی با قدم گذاردن در محیط ناسالم به دستورات شرع بی اعتنا شوند و آنها را نادیده بگیرند. از این رو و برای اینکه انسان در ابعاد مختلف راه الله تعالی را ببیند و به کمال برسد و لازم است در تمام جهات مورد آزمایش قرار گیرد. قرآن می فرماید: ﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ (الکہف: ۷) «ما آنچه را روی زمین است و زینت آن قرار دادیم و تا آنها را بیازمائیم و کدامیشان بهتر عمل می کنند؟»

برادران مسلمان! بدانید که از بزرگترین نعمتهای الهی سلامتی و عافیت است و سلامتی دین و بدن و دنیا و آخرت. هر چند الله بدون درخواست به بندگان خود سلامتی می دهد اما باید با دعا کردن هم عافیت دین و آخرت خود را بخواهد و هم باعث بقای آن تا آخر عمر باشند و تا مبادا در طول زندگی این عافیت از بین برود و عاقبت انسان با بی دینی و ذلت دنیا و آخرت همراه باشد. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم (در دعا) می فرمودند: «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي و وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي و وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي و وَأَجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ و وَأَجْعَلْ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ» صحیح مسلم «اللها! دینم را که نگهدارندهی من از گناهان و سختی هاست و دنیا را که در آن زندگی من می گذرد و آخرتم را که بازگشت من به آن است و اصلاح کن زندگی مرا موجب زیاد کردن کارهای نیک من گردان و مرگم را وسیلهی راحتی و نجات من از هر بدی قرار بده!». بنده مسلمان باید خیر دنیا و آخرت را از الله تعالی بخواهد و به سبب بیماری یا تنگی و پریشانی برای مرگ خودش یا بلایی تقاضای تعجیل نکند و یا آن را آرزو ننماید و زیرا شخص از دو حال خارج نیست: یا یکی از اشخاص نیکو کار است که عمر طولانی او موجب افزایش حسنات اوست. و یا از اشخاص بد کار است که در این صورت امید آن می رود که الله فرصت توبه را برای او فراهم نماید و از آن پس عبرت گیرد و به درگاه الله باز گردد. شاید بقای زندگی چنین شخصی هم برای خود و هم برای دیگران مفید و سودمند باشد و اگر مرگ برای او بهتر باشد و الله او را می میراند که چه بسا عمر طولانی او مستوجب گناهی گردد که عاقبت خوب و ستوده ای در بر نداشته باشد و بنابراین لازم است که انسان چنین آگاهی را به الله و به اذن و مشیت او محول نماید آداب یک مسلمان باید با پروردگارش اینگونه باشد و اما کسیکه به محض این که به مصیبتی دنیای مبتلا گردد مانند اینکه همسرش و یا دخترش و یا فرزندش و یا ... فوت نماید و یا به بیماری دچار شود و آرزوی مرگ کند و تمام زندگی را به جهنم تبدیل کند و در واقع خود اوست که زندگی را به این صورت در آورده است و چرا که انسان خود می تواند زندگی را به صورت خوب و سعادت مندانه و رضایت بخش در آورد. از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: غالب دعای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم این بود: «اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً و فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً و وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» متفق علیه «اللها! در این دنیا و در آخرت به ما نیکویی و (ثواب) خیر عنایت فرما و ما را از آتش دوزخ محفوظ بدار».

مسلمانان! همه ما بزودی از دنیا خواهیم رفت و در پیشگاه الله متعال و حاضر خواهیم شد. در آنجا نیز بخاطر همه اعمال کوچک و بزرگی که انجام داده ایم و محاسبه خواهیم شد. بعد از آن

نمی دانیم که چه سرنوشتی در انتظار ماست آیا با انبیاء و صدیقین و شهدا و صالحین حشر شده و به بهشت می رویم که نعمت های جاودانی آن را هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به قلب هیچ کسی هم خطور نکرده است یا خدای نکرده به دوزخ می رویم که سراسر عذاب و شکنجه و آه و ناله و پشیمانی و گریه است.

پس بیاییم و قبل از اینکه فرصت از دست برود و از خواب غفلت بیدار شویم و فریب این دنیای فانی را نخوریم و زندگی خود را در راه اطاعت از الله و رسولش سپری نماییم چرا که سعادت دنیا و آخرت و در این راه و نهفته است. باید بدانیم که نماز و ستون دین است و بوسیله نماز است که مسلمان از کافر و منافق از مؤمن و شناخته می شود. همچنین نماز و اولین چیزی است که روز قیامت و بنده بخاطر آن محاسبه می شود و اگر نمازش و پذیرفته شود رستگار می گردد و اگر نمازش و پذیرفته نشود و ناکام می گردد و زیان می بیند. لذا همیشه باید به یاد آن لحظاتی باشیم که در پیشگاه پروردگارمان و حاضر می شویم. لحظاتی که افراد آگاه و سختی آنرا درک می کنند و پرهیزگاران و شدت وحشت آنرا می شناسند. پس بکوشیم تا خود را برای آن لحظات جانگداز و آماده سازیم. و از آنجا که نماز و مهمترین عملی است که در آن لحظات حساس و سرنوشت ساز و به فریاد انسان می رسد پس لازم است در همه احوال بر آن پایبند باشیم در ادای آن سستی و کسالت بخود راه ندهیم زیرا الله در تمام حالت ها و نماز را واجب قرار داده است حتی در این باره و مریض و مسافر و کسی را که در حال ترس و وحشت بسر می برد و معذور ندانسته است. بلکه گاهی و در شرایط آن و تخفیف قایل شده است و گاهی هم تعداد رکعات آن را کمتر نموده است و در شرایط خاص هم و روش نماز خواندن را تغییر داده است. و تا زمانی که انسان از عقل برخوردار است و نماز از وی و ساقط نمی شود. الله و در نماز و بهترین حالت ها را شرط قرار داده است. فرد باید با وضو باشد و خودش را با زینت لباس و بیاراید و رو به قبله نماید. در حالی که در سایر عبادات و این امور و شرط نیستند.

بارک الله لی ولکم فی القرآن العظیم و نفعنی و یا کم بما فیہ من الآیات والذکر الحکیم. أقول قولی هذا وأستغفر الله لی ولکم ولسائر المسلمین انه هو الغفور الرحیم.

## خطبه دوم

الحمد لله حمدا يليق بجلال وجهه وعظيم سلطانه و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و أشهد أن محمدا عبد الله ورسوله و صلوات الله سلامه عليه وعلى آله وأصحابه ومن سار على نهجه إلى يوم الدين وبعد:

ای بندگان! بدانید نماز از شخص بیمار ساقط نمی شود و باید عمل طهارت را با آب انجام دهد. در نتیجه برای رفع حدث اصغر وضوء گرفته و وجهت رفع حدث اکبر غسل می کند. و اگر بعلت عجز و یا ترس از بیشتر شدن بیماری و یا خوف از تاخیر بهبودی نمی توانست با آب طهارت بگیرد و پس باید تیمم کند. کیفیت تیمم به این صورت است که با کف دستهای خود بر زمین ظاهر یکبار ضربه زده و با آن همه صورت خود را مسح کند و سپس کف و پشت دستهایش را با یکدیگر مسح کند.

اگر شخص از طهارت خودش عاجز بود و پس باید شخص دیگری او را وضوء و یا تیمم دهد.

اگر در قسمتهائی از اعضای طهارت زخم و جرح وجود داشت و آن را با آب می شوید. واگر شستن با آب باعث وخامت زخم شود و باید دست خود را با آب تر کرده و وبا آن روی زخم مسح کند. واگر مسح کردن نیز باعث عفونت زخم می شد و پس باید تیمم کند. اگر در بعضی از اعضای طهارت شکستگی وجود داشت و محل این شکستگی با گچ ویا پارچه پوشیده شده بود و باید به جای شستن این اماکن و آن را با آب مسح کند و هیچ احتیاجی به تیمم نیست. چون مسح جای شستن را می گیرد. شخص می تواند بر دیوار ویا هر چیز طاهر دیگری که بر آن گرد نشسته است تیمم کند. واگر دیوار بوسیله چیزی همانند رنگ که از جنس زمین نیست پوشیده شده باشد و نمی توان بر آن تیمم کرد و مگر اینکه بر آن گرد نشسته باشد. اگر تیمم گرفتن بر زمین و دیوار و ویا هر چیز دیگری که بر آن گرد نشسته است غیرممکن بود و میتوان خاک را در ظرف ویا دستمالی نگهداری کرده و وبا آن تیمم نمود. در صورتی که شخص برای ادای نماز تیمم نموده و تا نماز بعدی بر این طهارت باقی بماند و می تواند به همین تیمم اکتفا نموده و نماز بعدی را نیز به همین تیمم ادا کند و احتیاجی به تیمم دوباره ندارد. چون او هنوز بر طهارت خود باقی بوده و این طهارت باطل نشده است. بر شخص بیمار واجب است که بدن خود را از نجاست طاهر کند. واگر بر انجام طهارت توانائی نداشت و به همان حالت نماز می خواند و نمازش صحیح بوده و احتیاجی به اعاده آن نیست. بر مریض واجب است که با لباسی طاهر نماز بخواند. و در صورت نجاست لباسش باید آنرا شسته ویا با لباس طاهری عوض کند. واگر این امر نیز امکان نداشت به همان حالت نماز می خواند و نماز او صحیح بوده و احتیاجی به اعاده آن نیست.

شخص بیمار باید در مکان طاهری نماز بخواند. و در صورت نجاست این مکان یا شیئی باید آنجا را شسته و ویا آن شیئی را با شیئی طاهر دیگری عوض کند. یا اینکه باید بر آن و دستمال و ویا شیئی طاهر دیگری فرش کرد. واگر این امور امکان نداشت و به همان صورت نماز می خواند و نماز او هیچ اشکالی ندارد و احتیاجی به اعاده نماز نیست. شخص بیمار نمی تواند به دلیل عجز از طهارت و نماز خود را از وقت محدد آن عقب بیاورد. بلکه بقدر امکان طهارت گرفته و نماز را در وقت خود ادا میکند. حتی اگر در بدن و لباس و مکان نمازش نجاستی باشد که قادر به زودودن آن نیست. اگر کسی بعدر بیماری و امثال آن نتوانست نماز فرض را و ایستاده بخواند و جایز است که نشسته آن را بخواند و واگر نشسته نیز نتوانست آن را بخواند و بر پهلو خوابیده و آن را بخواند و با اشاره رکوع و سجود را بجای آورد و برای سجده بیشتر از رکوع خم شود و چون الله فرموده است: ﴿فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ﴾ (النساء: ۱۰۳) «در همه احوال بر ذکر الله مداومت داشته باشید و ایستاده و نشسته و بر پهلو خوابیده..».

از عمران بن حصین رضی الله عنه روایت است که فرموده است: من به بیماری بواسیر مبتلا بودم و درباره نماز از پیامبر صلی الله علیه وسلم سوال کردم و فرمود: «صل قائما فإن لم تستطع فقاعدا و فإن لم تستطع فعلى جنبك» به روایت همه محدثین جز مسلم. و نسائی بدان افزوده است: «فإن لم تستطع فمستلقيا» ﴿لَا يَكُفُّ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (البقرة: ۲۸۶) «ایستاده نماز بخوان و چون نتوانستی نشسته بخوان و چون نتوانستی بر پهلو بخوان و چون نتوانستی بر پشت خوابیده و بخوان»

و «الله بقدر وسع وتوانایی هر کس وی را مکلف می‌سازد». از جابر رضی الله عنه روایت است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم از یک بیماری عیادت می‌کرد و دید که او بر روی بالشی نماز می‌خواند و پیامبر صلی الله علیه وسلم بالش را دور انداخت و فرمود: «صل علی الارض إن استطعت و إلا فأومئ إیماء واجعل سجودك أخفض من رکوعك» بیهقی آن را روایت کرده و ابو حاتم وقف آن را تصحیح کرده است. «بر روی زمین (نشسته) اگر می‌توانی نماز بخوان در غیر آن صورت با ایماء و اشاره و نماز بخوان و که برای سجده و بیشتر از رکوع خم شو».

آنچه که معیار عدم استطاعت می‌باشد و عبارت است از مشقت یا ترس و نگرانی و زیاد شدن بیماری یا دیر خواب شدن آن یا نگرانی از سرگیجه. اگر کسی نتوانست ایستاده نماز بخواند و چهار زانو نشسته و آن را بخواند.

از حضرت عایشه روایت است که: «پیامبر صلی الله علیه وسلم را دیده است که چهار زانو نشسته و نماز می‌خواند». به روایت نسائی و به تصحیح حکم. و می‌تواند بمانند نشستن برای تشهد نیز و بنشیند. اگر کسی نتوانست ایستاده یا نشسته نماز بخواند و بر پهلو راست خوابیده و آن را بخواند و اگر نتوانست و بر پشت بخوابد و بقدر امکان پاهایش را به طرف قبله دراز بکشد. ابن المنذر این کیفیت را انتخاب کرده است. بر بیمار واجب است که در نماز خود و رکوع و سجود کند. و در صورت عدم توانائی و این اعمال را با حرکت و اشاره سرش انجام می‌دهد و که در حالت سجود و سرخود را پائینتر از حالت رکوع قرار می‌دهد. و اگر شخص می‌توانست رکوع کند و از سجود عاجز بود و در هنگام رکوع و رکوع خود را انجام داده و و در هنگام سجود با سر خود به سجود اشاره می‌کند و و در صورتیکه شخص می‌توانست به سجود برود و اما از رکوع عاجز بود و در هنگام سجود و سجده کرده و و در هنگام رکوع با سر خود به رکوع اشاره می‌کند. و اگر اشاره کردن به سر نیز در هنگام رکوع و سجود برایش غیر ممکن بود و با چشمان خود به این اعمال اشاره می‌کند.

پس برای رکوع کمی چشمان خود را بر هم گذاشته و و برای سجود چشمان خود را بیشتر می‌بندد. و اما اشاره کردن با انگشتان دست در هنگام سجود و رکوع که برخی از بیماران آنرا انجام می‌دهند و هرگز صحیح نبوده و و در کتاب و سنت هیچ اصل و نشانی از آن نمی‌شناسیم. و أهل علم نیز بدان اشاره ای نکرده اند. و اگر اشاره کردن به سر و چشم نیز برای بیمار امکان نداشت و به قلب خود نماز می‌خواند. در نتیجه تکبیر گفته و آیات را قرائت می‌کند و و سجود و رکوع و قیام و قعود (نشستن) را به قلب خود نیت می‌کند. بر شخص بیمار واجب است که همه نمازها را در اوقات محدود خود بخواند و و همه واجبات آن را تا حد استطاعت انجام دهد. و اگر به جای آوردن نمازها در وقت مکتوب آن برایش با مشقت همراه بود و میتواند بین نمازهای ظهر و عصر و و هم چنین مغرب و عشاء جمع بسته و این نمازها را به صورت جمع بخواند. در نتیجه این نمازها یا بصورت ((جمع تقدیم)) خوانده می‌شوند و یعنی نماز عصر را پس از نماز ظهر و در وقت نماز ظهر و و نماز عشاء را پس از نماز مغرب و و در وقت نماز مغرب ادا می‌کند. و یا اینکه این نمازها را بصورت ((جمع تأخیر)) می‌خواند. یعنی نماز ظهر را قبل از نماز عصر و و در وقت نماز عصر

و نماز مغرب را قبل از نماز عشاء و ودر وقت نماز عشاء به جای می آورد. و باید شخص ببیند که کدامیک از این حالات جمع برای او راحت تر می باشد. اما نماز صبح را نمی توان به صورت جمع با نمازهای دیگر خواند. در صورتیکه شخص بیمار مسافر بوده و برای معالجه به دیار دیگری غیر از شهر خود مسافرت کرده باشد و باید نمازهای چهار رکعتی را به صورت ((قصر)) بخواند. یعنی نمازهای ظهر و عصر و وعشاء را به جای چهار رکعت و دو رکعت ادا می کند و تا اینکه به شهر خود باز گردد. حال خواه این سفر طولانی و یا کوتاه باشد.

همچنان بر پزشکان و پرستاران بیماران در بیمارستان ها لازم است بیماران را از اوقات نمازها جهت قبله آگاه سازند ودر عمل وضو یا تیمم با آنان همکاری نمایند زیرا مساله نماز مهمتر از هر چیز دیگری است و همان طور که دارو را به بیماران در اوقات معین تقدیم می نمایند در مورد نماز نیز باید توجه جدی داشته باشند واین خود همکاری در نیکی است چنانکه الله دستور میدهد:

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ﴾ المائدة: ۲ «در راه نیکی و پرهیزگاری همدیگر را یاری و پشتیبانی نمایید و همدیگر را در راه تجاوز و ستمکاری یاری و پشتیبانی نکنید».

عباد الله! صلوا وسلموا علی من أمرتم بالصلاة والسلام علیه فی قوله سبحانه:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (الأحزاب: ۵۶)

اللهم صلِّ وسلم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين. اللهم ارض عن الصحابة الأخيار و آل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و أهل بيت نبيك و أصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم. اللهم وفقنا لما تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين. اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آت نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاه و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار. عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغى و يعظكم لعلكم تذكرون.